

Knowledge of political interpretation

Vol 6, No 21, Autumn 2024

ppt 31-50

Received: 31, JUL, 2024

Accepted: 05, OCT, 2024

**Strengthening the Islamic Society From the Perspective of Martyr Ayatollah  
Morteza Motahari and Malik bin Nabi**

Ali Mohammad Hashemzadeh <sup>1</sup>

Alireza Naeij <sup>1\*</sup>

**Abstract**

The concept of strengthening the Islamic community, proposed by prominent thinkers such as Martyr Ayatollah Morteza Motahari and Malek Bennabi, emphasizes the integration of intellectual, cultural, and social dimensions to address contemporary challenges faced by Muslims. The main question of this research, which aims to consolidate the Islamic community by fostering Shia-Sunni unity, is: What are the similarities and differences between this concept from the perspectives of Martyr Motahari and Malek Bennabi? The findings indicate that despite both thinkers emphasizing religious commonalities, their approaches differ. Martyr Motahari focuses more precisely on intra-Islamic challenges and theoretical discussions, while Malek Bennabi primarily analyzes unity within the context of colonialism and civilizational and historical self-awareness. The research follows a descriptive-analytical methodology based on library sources.

**Keywords:** Islamic unity, Shia and Sunni, Martyr Motahari, Malek Bennabi, strengthening the Islamic community, Islamic civilization.

---

<sup>1</sup> Ph.D. Student in Social Knowledge of Muslims, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

[Ali51.sajed@gmail.com](mailto:Ali51.sajed@gmail.com)

<sup>1\*</sup> Ph.D. in International Relations and Adjunct Professor, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

[Alireza128@gmail.com](mailto:Alireza128@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

Knowledge of political interpretation

Vol 6, No 21, Autumn 2024

ppt 31-50

دانش تفسیر سیاسی

سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۳

صفحات ۳۱-۵۰

## تحکیم جامعه اسلامی

### از منظر شهید آیت الله مرتضی مطهری و مالک بن نبی

علی محمد هاشم زاده<sup>۱</sup>

علیرضا نائج<sup>۲</sup>

#### چکیده

مفهوم تقویت جامعه اسلامی که توسط متفکران برجسته‌ای همچون شهید آیت الله مرتضی مطهری و مالک بن نبی مطرح شده است، بر تلفیق ابعاد فکری، فرهنگی و اجتماعی برای مقابله با چالش‌های معاصر مسلمانان تأکید دارد. سوال اصلی این پژوهش با هدف تحکیم جامعه اسلامی با ایجاد وحدت شیعه و سنی این است که این موضوع از منظر شهید مطهری و مالک بن نبی چه اشتراکات و تفاوتی دارند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های علی رغم تأکید هر دو بر اشتراکات مذهبی ولی شهید مطهری بیشتر چالش‌های درون‌اسلامی و مباحث نظری را به طور دقیق‌تر می‌پردازد در حالی که مالک بن نبی تلاش دارد عمدتاً وحدت را در بستر استعمار و خودآگاهی تمدنی و تاریخی تحلیل می‌کند. روش تحقیق توصیفی-تحلیل و با اسناد کتابخانه‌ای است.

**واژگان کلیدی:** وحدت اسلامی، شیعه و سنی، شهید مطهری، مالک بن نبی، تحکیم جامعه اسلامی، تمدن اسلامی

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Ali51.sajed@gmail.com

<sup>۲</sup> دکتری روابط بین الملل و استاد مدعو دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران

## مقدمه

مسئله وحدت اسلامی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در تاریخ اندیشه اسلامی همواره مورد توجه متفکران و اندیشمندان قرار گرفته است. وحدت میان مسلمانان، به‌ویژه میان شیعه و سنی، نه تنها به حفظ هویت دینی و فرهنگی کمک می‌کند، بلکه در مقابله با تهدیدات خارجی و تحقق پیشرفت اجتماعی و تمدنی نقش اساسی دارد. هرچند چالش‌های تاریخی، اجتماعی و استعمار خارجی، وحدت اسلامی را همواره با موانعی مواجه کرده است.

به عبارت دقیق‌تر یکی از مهم‌ترین موانع وحدت اسلامی، تداوم اختلافات مذهبی و فرقه‌ای است که در طول تاریخ، تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی و حتی نفوذ قدرت‌های خارجی بوده است. این اختلافات، به‌جای آنکه زمینه‌ساز وحدت اسلامی باشد، به عامل تفرقه و درگیری‌های تبدیل شده است. در طول تاریخ نیز سیاست‌های استعماری و مداخله قدرت‌های خارجی نیز به اختلافات دامن زده و از آن به‌عنوان ابزاری برای تضعیف انسجام امت اسلامی استفاده کرده‌اند. در چنین شرایطی، ضرورت بازنگری در مبانی وحدت اسلامی و تقویت همبستگی میان مسلمانان بیش از پیش احساس می‌شود. باید به چالش‌های درونی همچون ضعف آگاهی عمومی، نبود نهادهای کارآمد در جهت تقویت انسجام اسلامی و برداشت‌های سطحی از مفاهیم دینی نیز اشاره کرد که نقش بسزایی در این موضوع داشته‌اند. بنابراین، ارتقای سطح آگاهی مسلمانان، تأکید بر مشترکات دینی و بهره‌گیری از اندیشه‌های متفکرانی که بر ضرورت وحدت اسلامی تأکید کرده‌اند، می‌تواند زمینه‌ساز تحکیم پیوندهای میان مذاهب اسلامی باشد. در این راستا، بررسی دیدگاه‌های اندیشمندانی همچون شهید مرتضی مطهری و مالک بن نبی می‌تواند مهم باشد. انتخاب شهید مرتضی مطهری و مالک بن نبی در این پژوهش به دلیل جایگاه برجسته آن‌ها در اندیشه اسلامی و تأثیرگذاری بر مباحث مرتبط با وحدت اسلامی

است. این دو متفکر هر دو در دو بستر زمانی و جغرافیایی متفاوت زیسته‌اند، اما در خصوص وحدت دیدگاه‌هایی دارند که نیازمند بررسی دقیق‌تر است.

پژوهش حاضر تلاش دارد با بررسی دیدگاه‌های دو متفکر برجسته، شهید مرتضی مطهری و مالک بن نبی، به تبیین جایگاه وحدت اسلامی در تحکیم جامعه مسلمانان بپردازد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که تحکیم جامعه اسلامی با ایجاد وحدت شیعه و سنی از منظر شهید مطهری و مالک بن نبی چه اشتراکات و تفاوت‌هایی دارد؟ فرضیه این است که مسئله وحدت با تأکید بر اشتراکات دینی در بحث دو متفکر بوده با این حال شهید مطهری بیشتر بر چالش‌های درون‌اسلامی و مباحث نظری به طور دقیق‌تر می‌پردازد در حالی که مباحث مالک بن نبی عمدتاً پیرامون استعمار، خودآگاهی تمدنی و تاریخی است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند.

### چارچوب مفهومی

وحدت در لغت از ریشه "وحد" در زبان عربی یکی از واژه‌های پرمعنا و قابل تأمل است. این واژه در کتب لغت به معنای «یکی بودن»، «یگانه بودن» و «یگانگی» آمده است. این معنا در منابع مختلف لغوی به طور مشابه تبیین شده است. مفهوم وحدت با واژه «اتحاد» ارتباط نزدیکی دارد. در بیان این مفهوم، بسیاری از بزرگان به توضیح و تبیین اتحاد پرداخته‌اند. واژه «اتحاد» خود می‌تواند به دو شکل حقیقی و مجازی به کار رود: اتحاد حقیقی به معنای تبدیل دو چیز به یک چیز است که تحقق چنین اتحادی در دنیای واقعی محال است. اما اتحاد مجازی به دو نوع تقسیم می‌شود: اول آنکه با ضمیمه شدن یک شیء به شیء دیگر، محصول سومی ایجاد می‌شود؛ مانند ترکیب خاک با آب که به گل تبدیل می‌شود. نوع دیگر آن زمانی است که چیزی بدون اینکه با شیء دیگری ممزوج شود، صورت جدیدی می‌پذیرد؛ مانند تبدیل آب به بخار تحت تأثیر حرارت. اتحاد در

معنای سیاسی به معنای یگانه شدن دو یا چند کشور و پذیرش یک نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی واحد است. در پی این اتحاد، تمامی آن‌ها به یک امت و کشور تبدیل می‌شوند. در خصوص رویکرد قرآن به وحدت که به سبب پرداختن موضوع توسط شهید مطهری در ادامه خواهد آمد همین قدر اینجا بیان می‌شود که قرآن بر اهمیت اتحاد میان ملت‌ها، ادیان و مسلمانان تأکید دارد. همچنین بر ضرورت همبستگی نهاد خانواده و جوامع انسانی در برابر دشمنان مشترک تأکید می‌کند. بنابراین، مقصود از اتحاد اسلامی، همبستگی و همکاری تمام مسلمانان با حفظ هویت مذهبی خود در برابر دشمنان مشترک است.

### دیدگاه‌های شهید مطهری

فلسفه تربیتی مطهری بر شناخت فطرت انسان به‌عنوان پایه‌ای اساسی برای شکل‌دهی به نظام‌های آموزشی مؤثر تأکید دارد. او بر این باور بود که پرورش استعداد‌های فردی، نه تنها برای رشد شخصی، بلکه برای پیشرفت جمعی نیز ضروری است. این رویکرد بر تعامل میان آموزش و توسعه اخلاقی تأکید می‌کند و بر لزوم پرورش متوازن ظرفیت‌های انسانی در چارچوب ارزش‌های اسلامی تأکید دارد. آثار او بازتابی از درک عمیق وی از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی است و بر ضرورت ایجاد جامعه‌ای عادلانه و اخلاقی تأکید می‌کند. در ادامه مهمترین مسائل مطرح شده در اندیشه ایشان در خصوص وحدت بررسی می‌شود:

#### ۱- وحدت به عنوان آموزه الهی

شهید مطهری در باب آموزه قرآنی بودن وحدت چنین نگاشته‌اند: قرآن مجید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»\* (مطهری، مسئله ظلم و عدالت). مسأله ظلم و عدالت، اصل و محور زندگی بشریت است. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ». هیچ اجتماعی نمی‌تواند بر شالوده ظلم و ستم باقی بماند. یا آنجا که مسائلی نظیر وحدت اسلامی در خطر است و اسلام در موضوع وحدت چه اندازه عنایت و حساسیت دارد و به وحدت

مسلمین اهمیت می‌دهد، می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا»\* (مطهری، همان). دست دشمن را می‌بینی، دسیسه دشمن را می‌بینی که دائماً میان مسلمین تفرقه‌اندازی می‌کند؛ آیا در اینجا می‌گویی امر به معروف نکن، حرف زن، نهی از منکر نکن، که اگر این را بگویم جانم در خطر است، آبرویم در خطر است، اجتماع نمی‌پسندد، از این مزخرف‌ها؟! (مطهری، همان).

شهید مطهری آیات ذیل را در این ارتباط مورد بحث قرار داده‌اند:

۱. قرآن مجید می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا»\* (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۶). و همگی به ریسمان خدا\* [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت] \* چنگک زنید، و پراکنده نشوید.

آیه فوق صریحاً به باهم بودن، اجرای فرامین الهی در کنار یکدیگر و دوری از تفرقه اشاره دارد. با توجه به مفهوم آیه، درمی‌یابیم که قرآن مجید بر وحدت مسلمانان تأکید کرده و آنها را از تفرقه برحذر داشته است. منظور از ریسمان الهی، قرآن، اسلام و پیشوایان دین است که باید در جامعه اسلامی محور قرار بگیرند و همچون بند تسبیح، دانه‌های تسبیح یا مروارید را گرد هم آورند و از پراکندگی حفظ کنند (مطهری، همان). در جامعه اسلامی نیز قرآن، اسلام و ایمان باید افراد را به یکدیگر پیوند دهند.

مسلم است که جامعه‌ای که بر اساس ایمان شکل بگیرد، نیرومند خواهد بود. عوامل دیگری مانند نژاد، ملیت، وطن و منافع مشترک نیز می‌توانند محور اتحاد باشند، اما هیچ کدام از آنها به اندازه ایمان و اسلام تأثیرگذار و پایدار نیستند. کارایی این عامل قوی را در تشکیل جامعه مدینه و بعدها در ایجاد تمدنی عظیم از اقوام و نژادهای مختلف مشاهده کردیم؛ تمدنی که تنها بر محور اسلام بنا شد (مطهری، همان).

۲. شهید مطهری در ادامه بحث پیرامون آموزه قرآنی وحدت به آیات دیگری اشاره کرده‌اند: قرآن مجید می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مطهری، \*\*مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰\*\*). و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، آن هم پس از آنکه نشانه‌های روشن پروردگار به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی خواهند داشت. مفهوم این آیه اشاره به تفرقه‌های مذهبی و شکل‌گیری مذاهب و فرق مختلف دارد، چراکه خطرناک‌ترین نوع اختلافات، اختلافات مذهبی است که موجب تضعیف امت اسلامی می‌شود (مطهری، \*\*همان\*\*). در ادامه، قرآن می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مطهری، \*\*همان\*\*). باید از میان شما، گروهی باشند که به نیکی دعوت کنند، امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنها همان رستگارانند. مفهوم این آیه تأکید بر نقش امر به معروف و نهی از منکر در حفظ وحدت اسلامی دارد. قرآن مجید بر این اصل اسلامی تأکید دارد و هشدار می‌دهد که کنار گذاشتن آن، موجب زوال اتحاد امت اسلامی خواهد شد (مطهری، \*\*همان\*\*). در آیه‌ای دیگر، قرآن می‌فرماید: «أَقِمْوَا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» (مطهری، \*\*همان، به نقل از شوری، آیه ۱۳\*\*). دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید. مفهوم این آیه نشان می‌دهد که دشمنان اسلام به دلیل مخالفت با اهداف اسلامی، آرزوی تفرقه در میان امت اسلامی را دارند و از وحدت بین مسلمانان هراس دارند. به همین دلیل، همواره به دنبال ایجاد اختلاف و موانع بر سر راه وحدت مسلمین هستند (مطهری، \*\*همان\*\*).

۳. شهید مطهری در تحلیل آیه قرآن «وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰) همچنین در مورد آیه «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰) و در ادامه، در آیه دیگری «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». نیز شهید مطهری بر مقاومت و مقاومت گروهی در برابر دشمنان می‌کند. این آیه به دستورات مردمی می‌دهد که در برابر مشکلات و دشمنان مقاومت می‌کنند و از مرزهای خود محافظت می‌کنند. به مطهری، صبر و پایداری گروهی باعث قدرت و استحکام جامعه اسلامی در برابر ادعاهای خارجی خواهد شد. این مباحث بیان می‌کنند که وحدت و استقامت، کلید رستگاری و موفقیت جامعه اسلامی است و جز تفرقه و نزاع تنها به تضعیف آن خواهد شد.

## ۲- رابطه مذاهب با وحدت اسلامی

شهید مطهری در خصوص وحدت اینگونه بیان می‌کند که "مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی، یکی انتخاب شود و دیگری مذاهب کنار گذاشته شود [و همگان موظف به پیروی از این مذهب جدید می‌شوند؟ مذاهب وجود ندارد و مقصود: اتحاد مسلمین، پیروان مذاهب، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان مسلمین برای این که وحدت اسلامی، مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را به نام وحدت توجیه می‌کنند تا در همان قدم اول با شکستن مخالفت اسلامی، به معنای وحدت اسلامی باشد. طرد مفترقات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی است، متشکل شدن مسلمین در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان است. (مطهری، یادنامه علامه امینی، ص ۲۳۴). با اشاره به اینکه در چیستی وحدت اسلامی و چگونه آن بحث‌های فراوان است، آیا باید یک مذهب را از مذاهب اسلامی برگزید و بقیه مذاهب را کنار نهاد یا همه این مباحث اشتراکی را قبول کرد و مباحث افتراقی را در کنار نهادهایی به گونه‌ای است که مذهب خود را به گونه‌ای تشکیل می‌دهد که مذهب خود را شکل می‌دهد که هیچ کدام از مذاهب وجود دارد که در اسلام وجود ندارد و در اسلام وجود دارد. (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۲۵، ص ۲۶).



مطهری بیان میدارد: "مسلمانان از نظر اختلافات مذهبی طوری نیستند که نتوانند وحدت داشته باشند، نتوانند با یکدیگر برادر و مصداق «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» بوده باشند زیرا خدایی که همه پرستش می‌کنند یکی است، همه می‌گویند: لا اله الا الله، همه به رسالت محمد (ص) ایمان دارند و نبوت را به او پایانیافته می‌دانند و دین او را خاتم ادیان می‌شناسند، همه قرآن را کتاب مقدس آسمانی خود می‌دانند و آن را تلاوت می‌کنند و قانون اساسی همه مسلمین می‌شناسند، همه به سوی یک قبله نماز می‌خوانند و یک بانگ به نام اذان بر می‌آورند، همه در یک ماه معین از سال که ماه رمضان است روزه می‌گیرند، همه روز فطر و اضحی را عید خود می‌شمارند، همه مراسم حج را مانند هم انجام می‌دهند و با هم در حرم خدا جمع می‌شوند، و حتی همه خاندان نبوت را دوست می‌دارند و به آنها احترام می‌گذارند. اینها کافی است که دل‌های آنها را به یکدیگر پیوند دهد و احساسات برادری و اخوت اسلامی را در آنها برانگیزد" (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۲۵، ص ۳۸). شهید آیت‌الله مطهری معتقد بود که مسلمانان بر اصول مشترکی تکیه دارند که در میان آنها اختلافی وجود ندارد. این اصول شامل موارد زیر است:

پرستش خدای یگانه و اعتقاد به «لا اله الا الله».

ایمان به نبوت و خاتمیت پیامبر اکرم (ص) و دین اسلام.

باور به وحیانی بودن قرآن، پذیرش آن به‌عنوان قانون الهی و تلاوت آن.

قبله و اذان واحد در میان مسلمانان.

روزه گرفتن در ماه معین از سال.

اتحاد در گرامیداشت عید فطر.

انجام حج به‌صورت همگانی در یک موسم مشخص.

محبت و احترام به اهل بیت پیامبر اکرم (ص).

علاوه بر این، او به سه عامل دیگر که زمینه‌ساز وحدت میان مسلمانان است اشاره داشت:

اشتراک تاریخی، مانند احترام مسلمانان مناطق مختلف به شخصیت‌هایی همچون ابوحنیفه، بخاری، غزالی و جوهری، که ایرانی بودند اما در سراسر جهان اسلام مورد تکریم قرار گرفته‌اند. روحیه و تربیت مشترک میان مسلمانان، که در طول تاریخ هزار ساله شکل گرفته است. فرهنگ مشترک که همه مسلمانان را به هم پیوند می‌دهد (مرتضی مطهری، یادداشتهای استاد مطهری، ج ۲، ص ۲۰۴ و ۴۱۴). شهید مطهری یادآور می‌شود که حیات (گیاهی و حیوانی و انسانی و اجتماعی و دینی) دارای آثار مخصوصی است که بر آن مترتب می‌شود. جامعه اسلامی آن وقت دارای حیات و زنده است که آثاری که از دین اسلام مطلوب است، از قبیل غیرت و سربلندی و همدردی و همفکری، بر آن مترتب شود. اما وقتی اثری از این آثار بر آن مترتب نباشد، نمی‌توان بر آن نام «حیات» گذاشت، بلکه اثر ۱ معکوس بر آن مترتب می‌شود، مثل عصر حاضر که مسلمانان، منحط‌ترین اقوام دنیا هستند (همان: ۱۶۵).

### ۳- آسیب‌شناسی وحدت از دیدگاه شهید مطهری

شهید مطهری معتقد بودند که برای بنا نهادن ملت، باید فکر و اندیشه مردم را درست نماییم و برای ویران کردن ملت باید اندیشه آنها را نابود سازیم، برای در اختیار گرفتن ملتی باید بر فکر و اندیشه آنان سوار گشت و برای اینکه ملتی مستقل به بار بیاوریم باید اندیشه و فکر آنها را مستقل نماییم (مرتضی مطهری، یادداشتهای مرتضی مطهری، ج ۱، ص ۱۵۸ و ۱۵۹). شهید مطهری بزرگترین استعمار را «استعمار فکری» و بزرگترین زیان برای یک ملت را نداشتن «استقلال فکری» می‌داند. چرا که در صورت فقدان استقلال فکری «یک ملت خود را در روح و احساسات فقیر و بیچاره» می‌بیند. از این رو معتقد است روشنفکران غرب‌زده «سال‌ها به عناوین مختلف القاء کردند که اگر ایرانی می‌خواهد سعادت‌مند شود باید جسماً و روحاً و ظاهراً و باطناً فرنگی شود». و برای این کار سعی کردند: «پایه‌های استقلال فکری او را خراب کنند، فلسفه مستقل زندگی او را از او بگیرند و دائماً عظمت و اهمیت ملت‌های دیگر را به رخ او بکشند، الاغ‌های مرده آن‌ها را

برای این‌ها قاطر جلوه دهند.» (مرتضی مطهری، یاداشت‌های شهید مطهری، جلد ۱۱، ص ۵۴۰).

به نظر شهید مطهری، اسلام همواره دشمنان سرسختی در خارج یا داخل داشته است و یهودیان، مسیحیان، مجوسان، مانویان و زنادقه‌ای که در میان مسلمانان بوده اند از پشت به اسلام خنجر زده اند. بسیاری از آن‌ها در تحریف و قلب حقایق اسلامی به وسیله جعل و وضع احادیث، یا ایجاد حقه‌ها تفرقه‌ها، و لاقفل در دامن زدن به اختلافات مسلمانان تأثیر زیادی داشته اند. اما از همه خطرناکتر، استعمار غربی در قرون اخیر است که خون مسلمانان را مکیده و کمر استعمار از راه‌های مختلف از جمله ناسیونالیسم مسلمانان را زیر فشار مظالم خود خم نموده است. و تهاجم فرهنگی جامعه اسلامی هجوم آورده است. هرگاه قدرتهای حاکم بخواهند جامعه‌ای را استعمار نمایند، تلاش می‌کنند که آن را به فساد بکشانند و برای این امر فساد اخلاقی را نشر می‌دهند، همچنان که اندلس اسلامی را از این طریق از دست مسلمین خارج کردند (مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت، ص ۹ و ۱۹)

در کل شهید مطهری وحدت اسلامی را به معنای اشتراک مسلمانان در اهداف و ارزش‌های مشترک، علی‌رغم اختلافات مذهبی، تعریف می‌کند. وی وحدت را ضرورتی اساسی برای جامعه اسلامی می‌داند که مانع از تفرقه و ضعف می‌شود. مبانی وحدت از نظر او شامل سیره ائمه اطهار(ع) و آیات قرآن است که همگرایی را تشویق می‌کنند. راهکارهای وحدت در اندیشه او شامل تأکید بر اشتراکات اسلامی، روشنگری، رفع سوء تفاهات، پرهیز از اختلاف‌افکنی، احترام متقابل و تعامل سازنده بین مذاهب اسلامی است. او عواملی مانند کج‌فهمی، تعصب، استعمار، وهابیت و تکفیر را از آسیب‌های وحدت اسلامی می‌داند.

## وحدت در دیدگاه مالک بن نبی

مالک بن نبی (۱۹۰۵-۱۹۷۳)، فیلسوف و متفکر بانفوذ الجزایری، از جمله اندیشمندانی بود که تمرکز اصلی خود را بر موضوع وحدت اسلامی در مواجهه با چالش‌های استعماری قرار داد. او که در دوران تحولات اجتماعی مهم تحت حاکمیت فرانسه متولد شد، تعهدی عمیق به دفاع از هویت منسجم مسلمانان داشت، هویتی که فراتر از مرزهای ملی تعریف می‌شد. بن نبی بر لزوم همبستگی میان مسلمانان برای مقابله مؤثر با فشارهای خارجی و اختلافات داخلی، به‌ویژه فرقه‌گرایی و اختلافات فرهنگی، تأکید داشت و بدین‌سان به صدای برجسته‌ای در گفتمان اندیشه اسلامی تبدیل شد (Malekbennabi, 2016؛ Disdo, 2024).

اندیشه‌های مالک بن نبی رویکرد کل‌نگر دارند؛ وی با بهره‌گیری از تاریخ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، پیچیدگی‌های جوامع مدرن مسلمان را تجزیه و تحلیل کرده است. او استدلال می‌کند که وحدت میان مسلمانان صرفاً یک آرمان نظری نیست، بلکه یک ضرورت عملی برای تحقق عدالت و تقویت پیشرفت اجتماعی است. تأکید او بر پذیرش تنوع فرهنگی به عنوان یک نقطه قوت، نه مانع، همچنان در بحث‌های معاصر درباره وحدت اسلامی طنین‌انداز است. او دیدگاه‌های ساده‌گرایانه فرقه‌گرایی را به چالش می‌کشد و از درک عمیق‌تر و به رسمیت شناختن تنوع اعتقادی در امت اسلامی دفاع می‌کند (Crescent, 2015؛ Kharchoufa, 2024).

دیدگاه مالک بن نبی درباره وحدت اسلامی، تابلویی غنی از اندیشه را ارائه می‌دهد که بر اساس بافت تاریخی و فرهنگی مربوط به آنها شکل گرفته است. مالک بن نبی، متفکر الجزایری، به دلیل تأکید بر ابعاد سیاسی-اجتماعی وحدت میان مسلمانان مشهور است. او استدلال کرد که جوهر وحدت اسلامی در هویت جمعی و مسئولیت‌های مشترک جامعه مسلمانان نهفته است، که او آن را المجتمع الاسلامی (جامعه اسلامی) نامید (academia, 2023). مالک بن نبی از ورود به مباحث نظری محض در

حوزه‌هایی همچون اخلاق، دین، فرهنگ و تمدن گریزان است. او در کتاب شروط النهضه و مشکله الثقافه بارها تأکید می‌کند که فرهنگ از جنس علم و معرفت نظری نیست، بلکه بیشتر به مناسبات اجتماعی، ارزش‌ها، اخلاقیات و آداب و رسومی مربوط است که انسان از دوران کودکی با آن درگیر است. از دیدگاه او، «زمان» نقش اساسی در شکل‌گیری تمدن‌ها دارد و تمدن محصول تدریجی تجربه‌های تاریخی یک جامعه است. بر همین اساس، مالک بن نبی در بحث تمدن، به‌جای پرداختن به مناقشات نظری و درگیر شدن با تعاریف و تحلیل‌های انتزاعی، تلاش می‌کند چارچوبی عملی و عینی برای درک تمدن ارائه دهد (میرزایی، ۱۳۹۳: ۹۴). بنابراین باید مسئله وحدت را در مسائل کلان‌تری در اندیشه تاریخی او جست که دو مقوله استعمارزدایی و تمدن‌سازی نمود آن است.

### ۱- وحدت برای استعمارزدایی

در پژوهش‌های مربوط به اندیشه‌های مالک بن نبی، غالباً به مقوله استعمارپذیری و ضرورت تغییر درونی برای تحقق تغییر اجتماعی و استعمارزدایی پرداخته شده است. اما کمتر به تحلیل روان‌شناختی او از شخصیت استعمارگر توجه شده است، درحالی‌که این موضوع اهمیت بسیاری دارد. مالک بن نبی معتقد است که نه تنها قابلیت استعمار شدن، امری روانی و درونی است که برای استعمارزدایی باید ریشه‌های آن از ذهن و روان ملت‌ها زدوده شود، بلکه خوی استعمارگری نیز جنبه‌ای روان‌شناختی دارد و نیازمند واکاوی است. از دیدگاه او، هم فرد استعمارشده و هم استعمارگر دچار نوعی بیماری درونی هستند: اولی به سستی، انفعال و حقارت دچار شده، درحالی‌که دومی گرفتار طغیان، استکبار و میل به سلطه‌جویی است (میرزایی، ۱۳۹۳: ۹۶). از این رومقابل با استعمار در کنار اصلاحات فکری و بازیابی هویت اسلامی در روند رشد فکری او موثر بود و او شروع به بیان دیدگاه‌های خود درباره وحدت اسلامی و چالش‌های پیش روی مسلمانان تحت حکومت استعماری کرد. تجربه زیسته او در این دوران، موجب شد که تمایل

بیشتری به نقد سوگیری‌های غربی داشته باشد و در عین حال از هویت یکپارچه اسلامی دفاع کند. این مسیر فکری در نهایت او را به یکی از متفکران برجسته تبدیل کرد که استعمار و نیاز به پاسخی متحد از سوی مسلمانان را به‌طور عمیق تحلیل کرد (Malekbennabi, 2016).

## ۲- رابطه وحدت و تمدن

بی‌شک مفهوم تمدن و دیدگاه‌های نظری آن یکی از مهم‌ترین نظریه‌های ارکان تمدنی مالک بن نبی به شماره می‌آید. به همین دلیل، نیاز است که سوای از مباحث لفظی و تعاریف گوناگون مورخان، فیلسوفان و جامعه‌شناسان نگاه مالک بن نبی متفاوت است. مالک بن نبی معمولاً وارد مباحث نظری و انتزاعی نمی‌شود و بیشتر در مورد مسائل عینی و ملموس بحث دارد. غالب مفاهیم در اندیشه‌های او، جامعه‌شناسانه جامعه‌شناسی است که سعی می‌کند تا موضوع را نه تنها به عنوان یک مفهوم انتزاعی، بلکه به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و تاریخی بررسی کند.

در دیدگاه‌های بن نبی وحدت اسلامی در تحلیل تمدن و چالش‌های آن ریشه‌یابی و تحلیل شده است. او مفهوم «مردان پس از الموحد» را مطرح کرد و نشان می‌دهد که مدرنیته موجب شده است بسیاری از افراد در جوامع مسلمان، به دلیل تمرکز بیش از حد بر موفقیت مادی، احساس پوچی کنند. به اعتقاد او، این امر انحراف از آرمان‌ها و ارزش‌های والاتر اسلامی را به همراه داشته است (Interfaithmediaguild, 2025). از این رو، مالک بن نبی بر اهمیت وحدت میان مسلمانان، به‌ویژه میان جوامع شیعه و سنی، تأکید داشت. وی معتقد بود که چنین وحدتی برای توسعه، عزت و قدرت امت اسلامی ضروری است. رویکرد جامع‌نگر او به وحدت، مبتنی بر درک همه‌جانبه‌ای از مسائل فرهنگی و اجتماعی پیش روی جوامع مسلمان بود. وی تأکید داشت که وحدت

واقعی باید بر اساس باورها، ارزش‌ها و اعمال مشترک ذاتی اسلام، مانند ایمان به خدا و احترام به حضرت محمد (ص)، بنا شود (Worldhistoryedu, 2025).

### ۳- آسیب‌شناسی وحدت از دیدگاه مالک بن نبی

مالک بن نبی مفهوم اندیشه اسلامی را بر اساس عقل اسلامی و واقعیت‌های زمانی و مکانی تبیین کرد و انحطاط مسلمانان را ناشی از انحراف از اصول اصیل اسلامی و وابستگی به تمدن غربی دانست. وی بر «پدیده قرآنی» تأکید داشت که نشان‌دهنده پویایی و انعطاف اسلام در مواجهه با نیازهای جوامع مختلف است. او اصلاحات و نوسازی را برای احیای هویت اسلامی ضروری می‌دانست و در عین حال با تفکر غربی به صورت انتقادی تعامل داشت. میراث فکری او همچنان در اندیشه اسلامی تأثیرگذار است و به مباحث مربوط به نقش اسلام در چالش‌های مدرن کمک می‌کند. آثار او الهام‌بخش پژوهشگران و فعالان متعهد به احیای فرهنگی و فکری جوامع اسلامی بوده است؛ از سوی دیگر، مالک بن نبی بر مفهوم «عمران» که به چارچوب اجتماعی و تمدنی لازم برای توسعه جامعه مربوط می‌شود، تأکید داشت. نظریات او نشان می‌دهد که تعاملات بین افراد و ساختار اجتماعی، برای پرورش یک جامعه اسلامی منسجم بسیار مهم است. او استدلال می‌کرد که جهانی شدن و جریان افکار بسته به نحوه مدیریت این تأثیرات خارجی، می‌تواند پیوندهای جامعه را تقویت یا تضعیف کند (Emerald, 2020).

## جمع‌بندی

وحدت اسلامی به عنوان یکی از ضروری‌ترین مسائل عصر حاضر جهان اسلام مطرح است. در این مقاله دو دیدگاه از اندیشمندان اسلامی بررسی شد. همانطور که مقاله نشان داد شهید آیت‌الله مطهری وحدت اسلامی را به‌عنوان یک اصل ضروری و حیاتی می‌دانست که نه تنها به معنای کنار گذاشتن اختلافات مذهبی نیست، بلکه به معنای همبستگی مسلمانان در برابر دشمنان مشترک است. وی وحدت را بر اصولی استوار می‌دانست که شامل:

اصول مشترک اسلامی: اعتقاد به یگانگی خدا، نبوت پیامبر (ص)، قرآن، قبله واحد، روزه، عید فطر، حج، محبت به اهل‌بیت (ع) و اشتراکات تاریخی و فرهنگی میان مسلمانان.

سیره اهل‌بیت (ع): احترام متقابل میان علمای شیعه و اهل سنت و تأکید بر گفت‌وگو و تعامل علمی.

ضرورت وحدت: وحدت به‌عنوان نیروی حرکت‌آفرین در تحولات اجتماعی و سیاسی و عامل پیشرفت جوامع اسلامی.

توجه به آموزه‌های قرآنی: تأکید قرآن بر وحدت و هشدار نسبت به تفرقه.

وحدت و قدرت اجتماعی: اتحاد را عامل قدرت و انسجام جوامع دانسته و آن را قاعده‌ای اجتماعی برای پیشرفت معرفی می‌کند.

راهکارهای ایجاد وحدت از نظر او تأکید بر اشتراکات دینی، معرفی صحیح شیعه، روشنگری، پرهیز از مسائل اختلاف‌برانگیز، شناخت متقابل مذاهب و ترویج گفت‌وگو منطقی و آزاداندیشی. ایشان نمادهایی مانند کعبه و حج را مظهر وحدت می‌دانست و معتقد بود که این مناسک، درس همبستگی و انسجام را به مسلمانان می‌آموزند. همچنین،



روشنگری و بصیرت‌افزایی را از ابزارهای مؤثر برای تحکیم وحدت اسلامی معرفی می‌کرد. مطهری همچنین نقش علمای بزرگ معاصر را در تقویت وحدت اسلامی برجسته می‌داند. او معتقد است که این علما با ایجاد حسن تفاهم میان مذاهب اسلامی زمینه‌ای را برای تقویت اتحاد فراهم کردند و در این مسیر از ابزارهایی مانند انتشار معارف شیعه استفاده نمودند. بنابراین دیدگاه شهید مطهری درباره وحدت اسلامی بر این اصل استوار است که اتحاد مسلمانان باید بر مبنای اشتراکات دینی، فرهنگی و تمدنی آنها صورت گیرد، بدون آنکه یکی از مذاهب مجبور به چشم‌پوشی از اصول خود شود. او بر این باور است که وحدت اسلامی نه تنها امکان‌پذیر است بلکه ضرورتی حیاتی برای بازگرداندن عظمت و اقتدار به جهان اسلام به‌شمار می‌آید.

مالک بن نبی اندیشمند دیگر که بیشتر رویکرد جامعه‌شناسانه دارد وحدت شیعه و سنی را یکی از ضروری‌ترین عوامل بقای امت اسلامی می‌دانست و معتقد است که این وحدت باید بر اساس اصول مشترک اسلامی، از جمله ایمان به خدا، پیامبر اکرم (ص) و قرآن، استوار باشد. او تأکید داشت که اختلافات فرقه‌ای، که اغلب ریشه در سوء تفاهم‌های تاریخی و تفاسیر نادرست دارند، نباید به مانعی برای همبستگی مسلمانان تبدیل شود. به باور ابن نبی، وحدت مسلمانان نه تنها یک آرمان دینی، بلکه یک ضرورت عملی برای مقابله با چالش‌های استعماری و جهانی بود.

ابن نبی استدلال می‌کرد که استعمارگران و قدرت‌های خارجی از تفرقه مذهبی میان مسلمانان برای تضعیف جوامع اسلامی بهره می‌برند. او معتقد بود که دشمنان اسلام، با تأکید بر اختلافات جزئی و برجسته‌سازی تفاوت‌های فقهی و کلامی، تلاش دارند تا وحدت مسلمانان را از بین ببرند. از این رو، او خواستار گسترش آگاهی میان مسلمانان و ترویج عقلانیت در مواجهه با اختلافات مذهبی بود. او باور داشت که همگرایی میان شیعه

و سنی نه از طریق تحمیل عقاید، بلکه از راه گفت‌وگو، تعامل و شناخت متقابل تقویت می‌شود.

به عقیده ابن نبی، وحدت اسلامی باید در عمل نیز محقق شود، نه فقط در سطح نظری. او تأکید داشت که مسلمانان باید بر مبنای ارزش‌های مشترک و اهداف بزرگ‌تر، مانند توسعه علمی، اقتصادی و فرهنگی، با یکدیگر همکاری کنند. ابن نبی از رویکردی جامع‌نگر به وحدت اسلامی حمایت می‌کرد که در آن، تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی به‌عنوان بخشی از تنوع امت اسلامی پذیرفته شوند، نه به‌عنوان عوامل تفرقه. او معتقد بود که این نگرش موجب تقویت انسجام امت اسلامی و مقابله با بحران‌های جهانی خواهد شد.

در کل هر دو اندیشمند در تلاش برای احیای تمدن اسلامی، مخالفت با تقلید کورکورانه از غرب، تأکید بر اهمیت تفکر و اندیشه در حل مشکلات جوامع اسلامی، و ارائه راهکارهای عملی برای بازسازی جوامع اسلامی اشتراک نظر دارند. با این حال، تفاوت دیدگاه‌های آن‌ها در اولویت‌های تحلیلی نمایان می‌شود؛ مالک بن نبی رویکرد تمدنی و اجتماعی دارد و وحدت اسلامی را ابزاری برای تحول تمدنی می‌داند، در حالی که مطهری با تأکید بر مبانی معرفتی و اعتقادی، وحدت را یک وظیفه دینی و معرفتی تلقی می‌کند. همچنین، مالک بن نبی بر عوامل ساختاری و اجتماعی در تحقق وحدت تأکید دارد، در حالی که مطهری نقش فرد و تربیت اسلامی را هم برجسته می‌سازد.

## منابع

- مطهری، مرتضی (۱۳۱۲). بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر .  
مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). پیرامون جمهوری اسلامی . تهران:  
مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). جامعه و تاریخ .  
مطهری، مرتضی (۱۳۱۶). مجموعه آثار شهید مطهری .  
میرزایی، نجفعلی (۱۳۹۳)، بررسی کلی مفاهیم پایه تمدن اسلامی در اندیشه مالک بن  
نبی فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه والاهیات سال نوزدهم، شماره دوم، صص ۱۱۷-۸۹
- Emerald (2020), The relevance of leadership styles and Islamic work ethics in managerial effectiveness, <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/prr-03-2019-0007/full/html>
- worldhistoryedu (2025), Sunni versus Shia: Origin Story of the Divide, <https://worldhistoryedu.com/sunni-versus-shia-origin-story-of-the-divide/>
- Interfaithmediaguild (2025), Islamic Tradition and Modern Challenges: Interfaith Dialogue: Building Bridges Between Islam and Other Religions, <https://interfaithmediaguild.org/islamic-tradition-and-modern-challenges-interfaith-dialogue-building-bridges-between-islam-and-other-religions/>
- Disdo (2024), Fostering Muslim Unity: A Path Towards Collective Prosperity, <https://disdo.org/fostering-muslim-unity-a-path-towards-collective-prosperity/>
- malekbennabi (2016), Life of Malik Bennabi, <https://www.malekbennabi.net/amp/life-of-malik-bennabi-1/>
- Crescent (2015), Practical steps towards Muslim unity, <https://crescent.icit-digital.org/articles/practical-steps-towards-muslim-unity>
- kharchoufa (2024), The Beauty of Diversity: Islamic Perspectives on Embracing Differences and

Unity,<https://kharchoufa.com/en/the-beauty-of-diversity-islamic-perspectives-on-embracing-differences-and-unity/>  
Academia(2023), The Theory of Civilization In History: An  
Analysis From Malik Bennabi's  
Writings,[https://www.academia.edu/105774966/The\\_Theory\\_of\\_Civilization\\_In\\_History\\_An\\_Analysis\\_From\\_Malik\\_Bennabis\\_Writings](https://www.academia.edu/105774966/The_Theory_of_Civilization_In_History_An_Analysis_From_Malik_Bennabis_Writings)